



به یکی از مهم ترین عوامل بر سر راه پیشرفت جامعه تبدیل شده و لطمه‌های جبران‌ناپذیری را بر ای حرکت چرخ توسعه وارد کرده است.

سکانس سوم – به دنبال مقصر

شاید اکنون هم فیلم‌هایی در حال تولید یا روی پرده باشند که درباره منابع مالی سرمایه‌گذاران آنها ابهام وجود دارد. آیا صنف تهیه‌کنندگان سینمای ایران وقتی بار دیگر این پرونده‌ها بار حقوقی پیدا کرد، درباره راه‌های مقابله با این سرمایه‌گذاران یادداشت یا بیانیه‌ای برای ارائه خواهد داشت؟ آیا صنف هم می‌تواند با توجه به شناخت و اشراف بر ذوایب مختلف این حوزه، در کنار نهادهای مسئول درباره منابع تأمین سرمایه فیلم‌ها حداقل نظری ابتدایی بدهد؟

مدیر کل وقت «دفتر نمایش خانگی، مستند و کوتاه» سازمان سینمایی، در یک گفت‌وگوی مطبوعاتی درباره چگونگی صدور کارت تهیه‌کنندگی محمد امامی، می‌گوید: «مامی دارای کارت تهیه‌کنندگی از کانون تهیه‌کنندگی فیلم ایران و مجاز به فعالیت در این عرصه بود. ما مسئولیت حاکمیتی نسبت به سینما و نمایش خانگی داریم و مسائل صنفی به اصناف مربوط می‌شود. محمد امامی، از طرف صنف مربوطه کارت تهیه‌کنندگی دارد. اینکه چه کسی سرمایه‌گذار بود یا چه پولی تهیه کرده مهم است، اما از نظر ما حد و حدود قانونی برای انجام این پروژه رعایت شده‌بود. ما پیش‌داوری نمی‌کنیم و تابع مرجع ذی‌ربط هستیم، کسی را هم مقصر و تارک نمی‌کنیم.»

حسین پارسایی در حالی مسئولیت بررسی اعتبار سرمایه‌تهیه‌کننده‌ها را به «انجمن کارفرمای تهیه‌کنندگان فیلم تهران» محول کرده که فرشته طائر پور، رئیس این انجمن، پیش از آن، درباره چگونگی صدور کارت تهیه‌کنندگی به امامی با صدور یادداشتی واکنش نشان داد: «تیرماه سال ۹۳ در خواست عضویت محمد امامی، مانند هر درخواست دیگری که کمرته عضویت انجمن صنفی کارفرمای تهیه‌کنندگان سینمای ایران مطرح شد و با توجه به سرمایه‌گذاری و تهیه‌کنندگی ایشان در پروژه‌های «شاه‌گوش» (به کارگردانی داوود میرباقری)، «بلبل» (به کارگردانی کمال تبریزی)، «روزی روزگاری عاشقی» (به کارگردانی حسن فتحی)، که یک مورد از آنها تولیدش در آن تاریخ پایان یافته و وارد شبکه نمایش خانگی شده بود و دو مورد دیگر در آستانه یا میناه تولید قرار داشتند

و همچنین دریافت جایزه‌ای با عنوان «بهترین تهیه‌کننده مجموعه‌های نمایش خانگی» در دوران یک مراسم سینمایی -صندوقی، تصویب شد. تا جایی که من در آنم هیچ صنفی از صنف تهیه‌کنندگی، وارد ماهیت سرمایه‌عضیایش برای تولید آثار نمی‌شود. این مطلبی است که مرجع رسیدگی به آن، جای دیگری است. آنچه برای صنف ما در آن تاریخ دیگر تیر می‌کرد، دنبال فعالیت ایشان در پروژه‌هایی بود که مورد اشاره قرار گرفت. تجربه‌های بعدی نامیده در امر ساخت سریال «شهرزاد» و همچنین فیلم سینمایی «بد و روز» نیز نشان می‌دهد که کیف در تشخیص قابلیت‌های آنها، صرفاً برای تهیه‌کنندگی، خط‌نکده‌است.»

از طرفی، شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما حضور پول‌شویان در شبکه نمایش خانگی را به‌طور علنی اطلاع داده بود و رئیس اسبق این شورا به صراحت اعلام کرد صلاحیت تهیه‌کننده «شهرزاد» که هیچ‌کدام از صنفاهای تهیه‌کنندگی احراز نشده‌است. در میان اخبار ریز و درشت آن روزها، گفته می‌شد امامی همزمان با تولید فیلم، رایت نمایش خانگی آثار را هم خریده و مبالغ بالاتری از مبالغ مرسوم را برای این کار پرداخت کرده‌است، اقدامی که در ساین کار تولید و توزیع سینمای ایران سابقه نداشت. این در حالی است که انتظار می‌رفت، کانون بانجمن ناظر بر تهیه‌کنندگان سینما اگر حین صدور کارت تهیه‌کنندگی ادله‌ای برای اثبات شبهات منابع مالی او نداشتند، بعد از پرداخت این مبالغ، نسبت به اعتبار سرمایه‌ای در فدر مشکوک شده و شفافیت منابع مالی او را پیگیری می‌کردند.

سکانس چهارم – جبران ماافات

شاید بررسی این موضوع که بستر رانت‌خواری در عرصه فرهنگ و هنر چگونه برای سرمایه‌گذاران گنم‌ام و تهیه‌کننده‌های یک‌شبه بدون پیشینه فرهنگی میسر می‌شود، آغاز خوبی‌های آسیب‌شناسی و بررسی فساد مالی در سینمای ایران باشد. سال گذشته بسیاری از تهیه‌کننده‌های کهنه‌کار مستقل سینما از ورود سرمایه‌گذارانی

به سینما خیر دادند که به‌واسطه نفوذ یا پیشینه خانوادگی به این فضا وارد شدند. به اعتقاد آنها، این افراد از طرف دستگاه‌های دولتی حمایت می‌شوند و تولید خلاقانه اثر هنری را از مغفرت خارج و به انحراف می‌کشانند. از طرفی دیگر گفته شده، برخی فعالان عرصه فرهنگ و هنر که جذب سرمایه‌های خصوصی را موجب بالندگی جریان مستقل و خلاق سینمایی‌دانند، به‌ورود این نوع سرمایه‌گذاری دامن می‌زنند و آن را به فال نیک می‌گیرند. اگر چه اهمیت جذب بخش خصوصی در عرصه هنر انکارناپذیر است اما سلامت این سرمایه‌ها هم در جایگاه خود از اهمیت زیادی برخوردار است، تا جایی که اگر این سرمایه‌ها از منابع شفاف تأمین نشده باشد، نه تنها به پالندگی چرخه هنر کمک نمی‌کند که این فضا را مسموم و وابسته تر خواهد کرد.

سکانس پنجم – پاسخ هنرندان

اما چقدر اهالی سینما درباره اتفاقات رخ داده و اینکه آیا در سینمای ایران پول‌شویی صورت می‌گیرد یا خیر، صاحب اطلاعات در دست و دقیق هستند؟ غلامرضا موسوی، رئیس اتحادیه تهیه‌کنندگان سینما را شاید بتوان اولین سینماگری دانست که واژه پول‌شویی را در سینمای ایران را سر زبان‌ها انداخت. موسوی معتقد است: «وقتی شما یک یا دو بار سریال ساختید و ضرر کردید که دیگر نباید دوباره آن را تکرار کنید. پس این تصور پیش می‌آید که سازندگان برخی از این آثار، اهداف دیگری دارند.» این تهیه‌کننده سینما در گفت‌وگو با «جامعه‌فردا» ماجرا را اینگونه تعریف کرد: «دو سال پیش در محاسباتم متوجه شدم افرادی به سینما یا شبکه نمایش خانگی وارد شده‌اند که نگران بازگشت سرمایه خود نیستند. در این سال‌ها طبیعتاً گاهی با افرادی برخورد می‌کردم که سینما را به‌خاطر حاشیه و شهرت می‌خواستند، اما این نوع جدید که فردی میلیارد‌دها تومان پول خرج کند و مبلغی برداشت نکند، برای من تعجب‌برانگیز بود. مخصوصاً که مسئولیت‌های صنفی باعث شد متوجه شوم این افراد به بدنه اقتصاد سینمای ایران ضرر وحشتناکی وارد می‌کنند.»

او دست‌روی نکتته‌ای گذاشت که در این سال‌ها بارها محل بحث بوده‌است. اقتصادی بودن عرضه سریال و فیلم‌ها در شبکه نمایش خانگی، موضوعی که گفته می‌شود برای بازگشت سرمایه آن باید مرارت‌ها کشید و گاهی هم این مرارت‌ها به نتیجه‌ای نمی‌رسد، چرا که جامعه ایران هنوز با شرایط پایداری اقتصادی جهت هزینه‌های هنر، فاصله‌بسیار دارد. «اینجاست که بحث پول‌شویی در ساخت این سریال‌ها به میان کشیده می‌شود. وقتی شما یک یا دو بار سریال ساختید و ضرر کردید که دیگر نباید دوباره آن را تکرار کنید. پس این تصور پیش می‌آید که سازندگان برخی از این آثار، اهداف دیگری دارند. معمولاً بخشی از این پول‌ها از نقاطی می‌آید و از منابعی وارد سینما می‌شود که نیاز به توجیه دارد. تا منابع این پول‌ها مشخص نشود، نمایش پول‌شویی است. درست مانند همان اتفاقی که سال‌ها قبل درباره خرید خانه در خارج کشور رخ داده بود و خیلی‌ها از سراسر دنیا برای خرید خانه به خارج از کشور می‌رفتند و با خرید خانه پول‌شویی می‌کردند.» اما باز هم همان سوال همیشگی پیش‌پس‌آید شورای صنفی تهیه‌کنندگان قاطعیت و توانایی برخورد با پول‌شویی در سینما را دارد یا اساساً باید وظیفه‌ای در این باره برای خود متصور باشد؟

این تهیه‌کننده با سابقه در این باره معتقد است: «برای دولت یکسری مسئولیت‌ها تعریف شده‌است که با آن مقابله می‌شود. مثلاً از آقای ایوبی خواستیم هر گونه کمک یا وامی که به تهیه‌کننده‌ها داده می‌شود، اعلام رسمی شود تا همه چیز شفاف باشد. هر چند اصل قضیه را پذیرفتند، اما در این زمینه اقدامی صورت نگرفت. اگر همین بحث‌های من و حمایت‌های هم‌صفا من نبود، برخی از بازیگران مطرحی که در پروژه‌های هنگفت پول‌شویی حضور یافتند مجبور به پاسخگویی به افکار عمومی نمی‌شدند. ما می‌گوییم تهیه‌کنندگانی که می‌خواهند کار کنند باید با معرفی نامه‌های شورای صنفی خود بروند.»

بعد از غلامرضا موسوی و رئیس فراکسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی مجلس این‌بار منوچهر محمدی، تهیه‌کننده با سابقه سینما در یک برنامه تلویزیونی، حضور پول‌شویی در سینمای ایران را تأیید کرد و گفت: «سرمایه‌گذاری در سینما ریفک بالایی دارد و سرمایه‌های ورودی با به نیت تقن یا پول‌شویی وارد سینما می‌شوند. اکنون تهیه‌کننده شده آدمی با یک دسته چک و کیف، هر لحظه هم ممکن است

غیبش یزند یا یکم شود یا فراری شود و دیگر قابل اعتماد نیست.»

سکانس ششم – نظارت قانون

در حالی که اهالی هنر نسبت به ورود غیرشفاف برخی نهادهای عمومی به عرصه فیلمسازی ابراز نگرانی کردند، باید دستگاه‌های متولی همچون سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیش از گذشته بر قرار دادهای مالی با هدف ایجاد عدالت مالی نظارت کنند. اخیراً یکی از اعضای شورای شهر تهران از حمایت ۹۰۰ میلیونی سازمان فرهنگی هنری شهرداری دوران قالیباف از یکی از فیلم‌های مطرح جشنواره فجر سال گذشته خبر داده و اعلام کرده‌استند این حمایت، از سوی شورای شهر تهران درخواست شده‌است. مجلس نیز نقش غیرقابل

انکاری در نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها دارد. دو نماینده مجلس در گفت‌وگو با «جامعه‌فردا» ضمن ابراز نظر درباره ضرورت مبارزه با گسترش فساد مالی در عرصه فرهنگ و هنر نسبت به این موضوع هشدار دادند. حالا می‌توان از زاویه قانونگذاری هم به این عرصه نگاه کرد. اصلاح قوانین، روزآمدسازی آن و مشخص کردن مراجع رصد پول‌های کثیف در هر حوزه‌ای، اصلی غیرقابل انکار است. فاطمه ذوالقدر با اشاره به نگرانی اهالی سینما از آمدن پول‌های کثیف به حوزه فرهنگ و ادب گفت: «صیانت از رفتارهای اقتصادی حوزه فرهنگ به‌ویژه سینما به دلیل داشتن فارغ‌التحصیلان قابل ملاحظه و فعالان بسیار که خواستار کار در این عرصه هستند، اهمیت فراوانی دارد اما این افراد به دلیل نداشتن سرمایه لازم از فعالیت در رشته تحصیلی و مورد علاقه خودشان ومانده‌اند. روا نیست افرادی که هیچ استعداد و تخصصی در این حوزه ندارند صرفاً به جهت داشتن پول بی‌حساب و کتاب، شرایط تولید و کار را برای دیگران سخت کرده و مایه‌آراء بیندازند.»

محمین محمد اسماعیل سعیدی نماینده تبریز با اشاره به فساد مالی در این عرصه سینما از آمدن پول‌های کثیف به حوزه فرهنگ و ادب گفت: «باید اجازه داد مصیبتی که در پی فساد مالی برای ارگان‌های دیگر ایجاد شده به حوزه فرهنگ و هنر نیز سرایت کند و این حوزه اخلاق‌مدار آلوده مسائلی غیرقابل جبران شود.» وی ادامه داد: «صیانت از قرار دادهای مالی، شفافیت در این خصوص و نحوه حمایت‌ها و پول‌هایی که وارد عرصه فرهنگ می‌شود به‌ویژه حوزه سینما ضروری است تا اهالی این عرصه احساس امنیت کنند.» او ایجاد احساس امنیت میان هنرمندان را بسیار مهم دانست و گفت: «باید در راستای ایجاد این احساس و جلوگیری از گسترش فساد مالی، اقدامات لازم جهت تشکیل کمیته صیانت از مبادلات و جریان‌های اقتصادی در سینما و تحقیق و تفحص در خصوص قراردادها و پول‌های این عرصه صورت بگیرد.»

در تمام دین صنعت سینما نیازمند حمایت مالی در جهت ارتقای کمی و کیفی تولیدات است؛ اما این سرمایه‌های از کجا تأمین شود؟ آیا باز هم باید دولت را به وادی نظارتی دیگری کشاند، یا اینکه مسئولیت راه‌یاد خود صنف و انگذار کرد؟ در این باره نظر نماینده تبریز و عضو کمیسیون فرهنگی این است که: «در سینمای دنیا سنت مرسوم اینگونه است که کمیته‌های حرفه‌ای فیلمسازی به تأمین بودجه آثار می‌پردازند و در برخی از موارد با اشخاص هنری، آن هم اشخاص مطرح و شناسنامه‌دار در عرصه سینما در تولید سهم می‌شوند. متأسفانه روند ورود افراد به سینمای ایران متفاوت است و صرف «داشتن پول زیاد» و بدون هیچ سابقه حرفه‌ای می‌توان این عرصه سینما شد و بسیاری از اهالی سینما هم به دلیل مشکلات و نیاز مالی بدون سوال از گذشته و فعالیت‌های فعلی شخص، به همکاری با آن فرد می‌پردازند و همین مسئله موجب فساد مالی را فراهم کرده‌است.»

سکانس هفتم – باز هم زنجانی

فساد مالی در ایران با نام بابک زنجانی عین شده‌است، پیوستی عمیق که حتی به سینما هم نزدیک شد. نخستین‌بار بابک زنجانی به‌عنوان سرمایه‌گذار در فیلم «هیچ‌کجا، هیچ‌کس» به کارگردانی ابراهیم شهبانی شنیده شده فیلم با هزینه تولید حدود یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان. اما با وجود حضور ستارگان سینما در آن، اگران موفق‌تری را تجربه نکرد. ضررها‌ی این فیلم سینمایی از انگیزه‌های زنجانی برای حضور در سینما کم نکرد. به فاصله کوتاهی از ساخت آن، دومین اثر سینمایی هومن سعیدی، «سیزده»، با

سرمایه‌گذاری او مقابل دوربین رفت. با وجود مبلغی که صرف ساخت فیلم سینمایی «سیزده» شد، دومین سرمایه‌گذاری رسمی زنجانی در این پروژه هم با شکست روبه‌رو شد.

بعد از آن نوبت به علی عطشانی با فیلم «نقش نگار» رسید که شاید بتواند بر پروصداترین حضور زنجانی به‌عنوان سرمایه‌گذار در سینما را با این فیلم دانست. علی عطشانی از میانه‌های ساخت فیلم نظر مساعد زنجانی را برای سرمایه‌گذاری فیلم جلب کرد و در آخرین روز فیلمبرداری و در جسنی که به این منظور برگزار شد، از سرمایه‌گذاری زنجانی صحبت کرد و زنجانی در رسمی که در دستوران وی ای‌بی‌ی برگزار شد، حضور پیدا کرد و برای نخستین‌بار با اصحاب رسانه درباره چگونگی حضورش در سینما و آینده‌هایی که برای ادامه فعالیتش در سینما داشت صحبت کرد.

در حاشیه همین مراسم، زنجانی در پاسخ به پرسش خبرنگاری درباره فعالیت‌هایش در سینما گفت: «دوربین‌هایی را که به دلیل تحریم نمی‌توانستند وارد ایران شوند خریداری کردیم، در بخش صادراتی و تدوین هم سیستم‌های جدیدی وارد کردیم. مجموعه‌ای به نام «سورینت فیلم» تشکیل دادیم و تمام امکاناتش در این محل مستقر شده‌است.» او در گفت‌وگویی با خبرگزاری مهر در پاسخ به این پرسش که چرا با توجه به حاشیه‌هایی که برای کار اقتصادی‌اش پیش آمده، وارد سینما شده‌است؟ گفت: «من سرمایه‌گذار هستم و قرار نیست در فیلم بازی کنم تا بر اینم حاشیه‌ها به وجود آید؛ اما می‌خواهم هیچ اتفاقی نمی‌افتد، چرا که مجموعه‌هایی از پاک‌ترین و مطمئن‌ترین افراد در این عرصه فعالیت می‌کنند. همه مجموعه‌های کشور در جریان کار ما هستند.» بعد از دستگیری زنجانی، نقش نگار با چالش‌های بسیاری برای رسیدن به اکران روبه‌رو شد و به‌عنوان بخشی از اموال زنجانی در لیست دارایی‌های او منظور شده بود. «نقش نگار» با وجود حواشی مختلف و حضور بازیگران مطرح نتوانست فروش درخور توجهی داشته باشد و سرمایه‌گذاری‌های زنجانی در این بخش با شکست روبه‌رو شد.

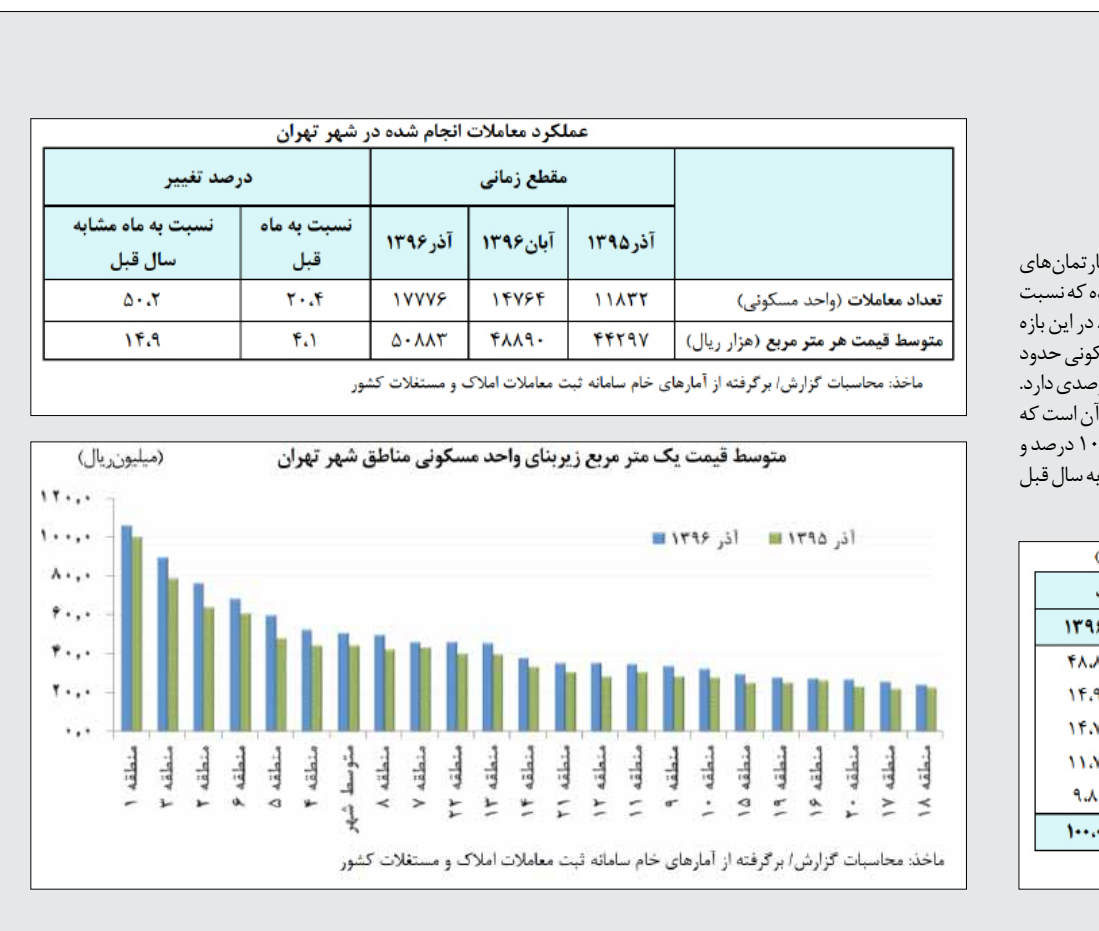
«سورینت فیلم» شرکتی که به گفته زنجانی به منظور کمک به سینما تجهیز شده بود، مدت‌ها پیش از دستگیری زنجانی فعالیت می‌کرد و ۲۵ هزار میلیارد تومان هزینه تجهیز این شرکت شده بود. زنجانی فقط در حیطه سینما ۲۵ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کرد که از این سرمایه‌گذاری بخش عمده‌اش صرف تجهیز امکانات سخت‌افزاری شد. او در سورینت فیلم که پس از دستگیری‌اش به دلیل فعالیتش در سینما، چند استودیوی درجه یک در زمینه‌های مختلف تولید، از تدوین گرفته تا صادراتی، موسیقی، دوبلاژ و ترنیشن، تدوین و اصلاح رنگ و حتی استودیوی کروماکی را در اختیار داشت. سورینت فعالیتش در حوزه فیلم‌سازی را از ابزار تولید فیلم خرید، دلیل حضور بابک زنجانی در سینما را باید در علاقی این بیلپون در قرارگیری کنار چهره‌های مشهور سینما دانست. زنجانی فقط به دلیل علاقه‌ها به هنر سینما، به این دلیل که این فضا بیش از سایر حیطه‌ها او را در کانون توجه قرار می‌دهد، وارد سینما شد. زنجانی می‌گوید می‌خواست رویاهای دست‌نیافتنی خود را در کنار سینما به تصویر بکشد، اما با بازداشتش در ۹ دی ماه ۱۳۹۲ توسط دادستانی کل کشور همه این رویاها در نطفه خفه شد.

سکانس یائنی – اقتصاد آزاد یا دولتی؟

در فضیلت جذب سرمایه‌های سرگردان به فعالیت‌های مولد اقتصادی، بسیار سخن گفته شده‌است. اینکه به‌جای سوداگری و سفته‌بازی، افرادی که دارای سرمایه‌های کافی برای فعالیت‌های مختلف هستند، به حوزه‌هایی قدم بگذارند که علاوه بر ایجاد اشتغال و تضمین بازگشت سرمایه، بتوانند درآمد سرانه را نیز افزایش دهد. صنعت سرگرمی در همه جای دنیا، یکی از حوزه‌های پول‌ساز است که از فضا به‌خاطر حضور ستاره‌های سینما، موسیقی و... توجه عموم را هم به خود جلب می‌کند. اکنون سوال اینجاست: وقتی گفته می‌شود دولت در ایران باید اقتصادی در حوزه سینما و هنر خارج شود و صرفاً به امور حاکمیتی بپردازد، چه جایگزینی برای آوردن پول به سینما به‌جای او وجود دارد؟ خصلت‌ها در سال‌های گذشته به شکل فرایندهای در عرصه‌های اقتصادی ورود کرده‌اند و فساد زابودن آنها نیز مشخص شده‌است. پس تنها راه، هموارسازی مسیر و بستری قانونی برای ورود سرمایه‌های پاک به سینماست تا هم از فعالیت‌های واسطه‌ای و اقتصادی برای حضور در هم چرخ هنر به‌عنوان عرصه‌ای با ظرفیت بالای مالی و اشتغال‌پذیر شد.

موضوع

در حالی که اهالی هنر نسبت به ورود غیرشفاف برخی نهادهای عمومی به عرصه فیلمسازی ابراز نگرانی کردند، باید دستگاه‌های متولی همچون سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیش از گذشته بر قرار دادهای مالی با هدف ایجاد عدالت مالی نظارت کنند. اخیراً یکی از اعضای شورای شهر تهران از حمایت ۹۰۰ میلیونی سازمان فرهنگی هنری شهرداری دوران قالیباف از یکی از فیلم‌های مطرح جشنواره فجر سال گذشته خبر داده و اعلام کرده‌استند این حمایت، از سوی شورای شهر تهران درخواست شده‌است. مجلس نیز نقش غیرقابل



اقتصاد

پیشوند کم فروغ هنر



نیاز به برنامه اقتصاد هنر چیست؟ این دست‌اقتصاد هنر، باید رمزگشایی شود. چالش‌های اقتصادی عرصه هنر تنها در جامعه هنری حل نمی‌شود، وزیر اقتصاد هم به‌شدت در جریان هنری کشور تأثیر گذار است، همین‌طور وزیر صنعت، رئیس سازمان شهرداری‌ها، وزیر کشور و... چگونگی روند این جریان مؤثرند و خط‌بزرگی است اگر گمان کنیم که مشکلات اقتصاد هنر تنها در حوزه هنری و وزارت ارشاد قابل حل است.

در حال حاضر در جامعه هنرنی اکثریت افراد دارای مشکلات مالی فراوان هستند، در حالی که عزت‌نفس این اجزاه را به آنها نمی‌دهد که در این خصوص به دولت متوسل شوند. از خوش‌بخت‌ها حدیه بسیاری از مسئولان این هنرمندان، هنر و بازار را نمی‌شناسند. بسیار متاثر می‌شویم هنگامی که هنرمندی جهت بستن یک قرارداد، ساعات‌ها پشت در اتاق مسئولی می‌ایستد و بعد با کل‌ی ناله و التماس این قرارداد به‌گونه‌ای بسته می‌شود که بدترین شکل برخورد با هنر است.

بخشی از نابسامانی‌های اقتصاد هنر به وزارت آموزش عالی و هیأت‌دولت برمی‌گردد، یعنی در جایی که خبری از هنر نیست، اما سیاستگذاری‌های بخش هنر در اینجا اتفاق می‌افتد. در کار هنرمندان حرفه‌ای، عزت، بسیار مهم‌تر از پول است و نیز تأمین مالی در حدی که آبروی آنها حفظ شود و بعد از رسیدن به سن بازنشستگی بتوانند تا آخر عمر ازنقش کنند. بیمه‌هنرمندان بالای ۶۰ سال‌قعی بسیار کم‌پایز است. خلافت هنری در بسیاری از هنرمندان بعد از رسیدن به سنی کاهش یافته یا حتی به صفر می‌رسد مانند برانکوزی که در سال‌های آخر عمر خود تنها کارهای قبلی را اصلاحی می‌داد اما این بدان معنی نیست که چنین هنرمندی بی‌ارزش شده بلکه باید ارزش تدبیری اندیشید اما هنرمندان امروز به چیز دیگری می‌اندیشند، اینکه چطور می‌شود از آب گل‌آلود ماهی گرفت، اگر تالابو را خریدند که خریدند و گرنه نتوانند از محفل جایزه بگیرند که البته این گروه اصلاً طرف حساب ما نیستند.

بنابراین مشکلات مالی عرصه هنر را نباید تنها در مقوله اقتصاد با هنر جست‌وجو کرد. در کشور ما تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های بخش هنر در بخش‌های دیگر شکل می‌گیرد و نباید تنها از وزارت فرهنگ و ارشاد اسازمی و مراکزتی چون حوزه هنری انتظار داشته باشیم که نسبت به عملکرد توسعه واقعی کشور زمانی آغاز خواهد شد که نفت تمام شود! هنرمندان کسانی هستند که از راه هنر امرار معاش می‌کنند البته به این معنی که کار هنری را جهت فروش بیافزینند، هنرمندان حرفه‌ای به‌هیچ‌وجه چنین نیتی ندارند. آنان نقاشی می‌کشند برای نقاشی، خط می‌نویسند برای خوشنویسی و این سیستم‌درستی است که مادر قدیم یعنی حدوداً ۱۵۰ پیش به قبل داشته‌ایم.

یکی از مهم‌ترین مقولات در اقتصاد هنر فقدان سیستم ارزش‌گذاری برای آثار هنری است. هنگام صحبت‌از خرید آثار هنری باید بسیار مراقب بود، چرا که در این صورت آثار هنری به کالای تبدیل می‌شود و ما با ضرر و منفعت روبه‌رو هستیم. نکته مهم در این میان سیستم ارزش‌گذاری است که ما چنین سیستمی نداریم و اینکه خریدار، این را بفهمد و درک کند که چه ارزشی می‌دهد و چه ارزشی را می‌گیرد، مثل بورس‌های بزرگ دنیا می‌گیرد که هیچ خط‌کشی ندارد. اما نیازمند یک سیستم ارزش‌گذاری آثار هنری معمولاً در پایه‌ای شکل می‌گیرد که هیچ خط‌کشی ندارد. اما نیازمند یک اثر به‌طور مثال ۲۰۰ هزار تومان ارزش‌گذاری می‌شود، بعد از گذشت دو روز ۱۸۰ هزار تومان نشود. در بازارهای مکاره غرب، یک اثر هنری ۸ دلار قیمت‌گذاری می‌شود که این قیمت ممکن است افزایش یابد اما هرگز کاهش پیدا نمی‌کند؛ همانند که توسط عواملی این اثر چه‌سای ارزش فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای پیدا کند، البته آنها نیز خطای می‌کنند اما مهم این است که سیستم ارزش‌گذاری در بستر مشخصی اتفاق می‌افتد.

برای بهبود اقتصاد هنر ما به الگو و همچنین سازمان مطالعاتی خاصی در این زمینه نیازمندیم و از همه مهم‌تر بسترسازی فرهنگی می‌خواهیم. در آمریکا این همه سازمان وجود ندارد و می‌توان گفت ۹۹٪ در صداد از گردش اقتصادی جامعه هنری آمریکا در دست بخش خصوصی است در دیگر کشورها نیز همین‌طور، دولت باید در این بخش سیاستگذار باشد که این سیاستگذاری بسیار مهم‌تر از تزیق پول است.

سال گذشته

مد

سسه با آذرماه سال قبل ۳.۷ درصد کاهش دارد. در مقابل به واحدهای ۱۰ تا ۸ سال و بیش از ۱۵ سال افزوده شده‌است. نتین توزیع تعداد معاملات انجام‌شده بر حسب مناطق مختلف حاکی از آن است که از میان مناطق ۲۲گانه منطقه ۵ با ۱۴.۹ درصدی از کل معاملات بیشترین تعداد قراردادها را به‌عنامه رادار است. همچنین مناطق ۴ و ۲ با سهم‌های ۱۱.۴ و درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مجموع ۷۴.۱ درصد از معاملات انجام‌شده در شهر تهران مربوط به ۱۰ منطقه و ۲۵.۹ درصد دیگر به ۱۲ منطقه باقی‌مانده اختصاص دارد.

توزیع تعداد آبارت‌های مسکونی معامله شده در شهر تهران بر حسب سال ساخت (واحد مسکونی)	آذرماه	آذرماه	آذرماه	آذرماه
عمر بنا (سال)	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۶
۵ تا ۱۰ سال	۶۸۳۷	۶۳۱۰	۶۸۸۰	-۹.۲
۶-۱۰	۱۸۸۱	۱۷۲۷	۲۴۵۰	-۸.۲
۱۱-۱۵	۲۱۷۴	۲۰۴۱	۲۶۱۴	-۶.۱
۱۶-۲۰	۸۹۸	۹۶۶	۲۰۸۲	۷.۶
بیش از ۲۰	۷۸۱	۸۸۸	۱۷۵۰	۱۳.۷
میانگین کل	۱۳۵۷۱	۱۱۸۳۲	۱۷۷۷۶	-۵.۹

منابع: محاسبه گرایش/ برگرفته از آمارهای خام سامانه ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور